

# اولین‌ها!

نگاهی به اولین رادیوهای  
فارسی‌زبان بیگانه در سپهر

رسانه‌ای ایران

❖ تهیه و تنظیم: فاطمه دانایی  
دانشجوی کارشناسی‌ارشد نویسندگی رادیو  
و تهیه‌کننده و نویسنده رادیو یزد



تأخیر در دریافت تجهیزات، یک دستگاه فرستنده تلگرافی و تلفنی موج کوتاه برای رادیو به کار گرفته شد. پس از نصب دستگاه فرستنده، رادیو تهران در چهارم اردیبهشت ۱۳۱۹ برابر با آوریل ۱۹۴۰ افتتاح شد. اما سال‌ها پیش از آن، راه ورود صدای رادیو به ایران هموار شده بود. نخستین فرستنده بی‌سیم موج بلند تهران و شهرهای تبریز، مشهد، کرمان، کرمانشاه و خرمشهر در ششم اردیبهشت ۱۳۰۵ آغاز به کار کرد. در سال ۱۳۰۹ فرستنده موج کوتاه امکان ارتباط میان برلین، پاریس، آنکارا و انگلیس را فراهم کرد.

ماده یازدهم اساسنامه «سازمان پرورش افکار» پیش‌بینی شده بود، به دنبال تصویب اساسنامه سازمان مذکور در ۱۲ دی ۱۳۱۷، کمیسیون‌های ششگانه آن از جمله رادیو نیز تشکیل شدند. کمیسیون رادیو در بهمن ۱۳۱۷ ساخت دو دستگاه فرستنده موج کوتاه را به کمپانی استاندارد انگلیس سفارش داد.

همزمان دستور داده شد که عمارت مخصوصی برای استودیوی رادیو تهران در داخل شهر ساخته شود. اما اشغال ایران از سوی متفقین ساخت این استودیو را غیرممکن ساخت. به دلیل جنگ و

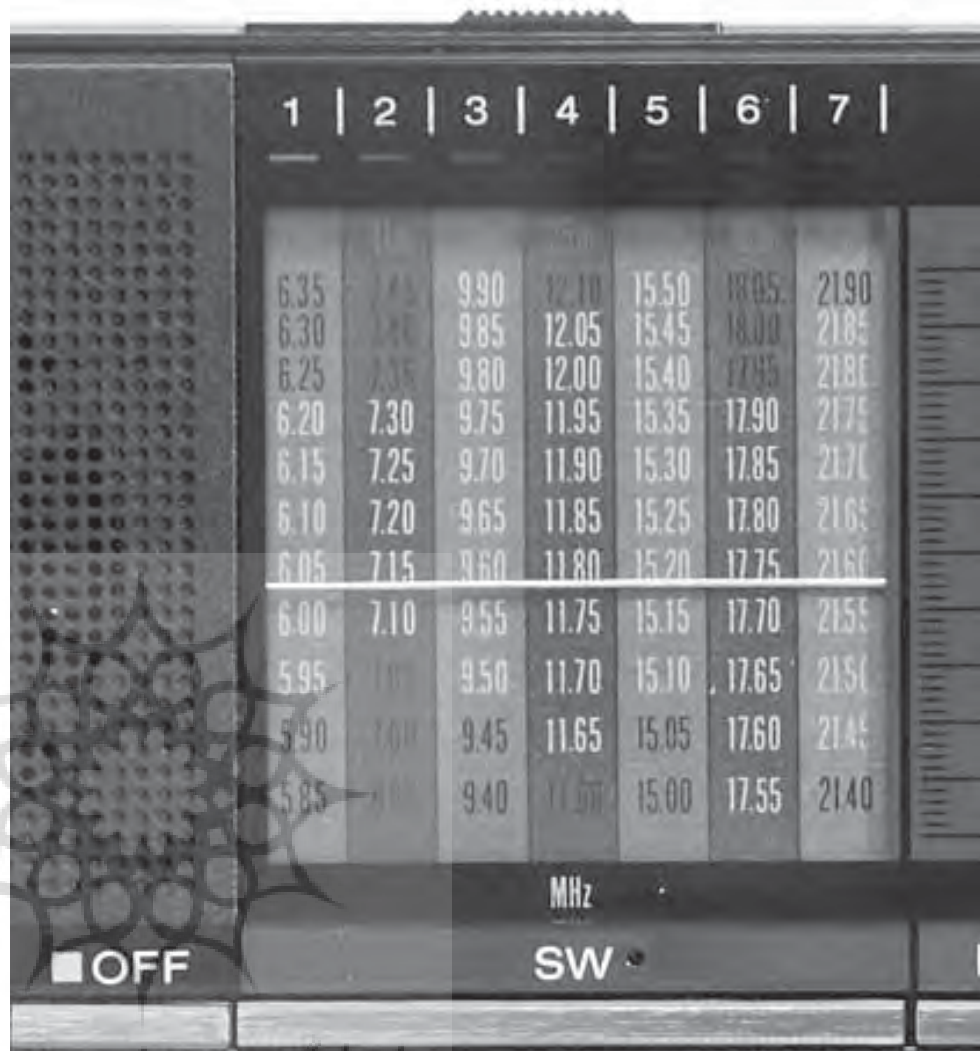
انگیزه پیدایش و تأسیس رادیو در ایران از سوی مطبوعات به‌وجود آمد و اولین مقاله در این زمینه با عنوان «عصر تلفن بی‌سیم» در مجله **محضرالادبا** به مدیریت بنان‌زاده و ادیب‌الممالک در سال ۱۳۰۱ به چاپ رسید. دو سال بعد در شماره هفتم مجله **ایران‌شهر**، یک محصل دارالفنون به نام فرهاد در مقاله‌ای تحت عنوان «تلفن بی‌سیم»، رادیو را به‌خوبی معرفی کرد.

تاریخ تأسیس و راه‌اندازی رادیو در ایران به سال‌های آخر دوره سلطنت پهلوی اول بازمی‌گردد. از آنجا که تأسیس رادیو در

### اشاره

برای اولین بار یک تبلیغ رادیویی در نوامبر ۱۹۲۰ درباره یکی از کاندیداهای جمهوری خواه از یک ایستگاه رادیویی متعلق به شرکت سهامی وستینگهاوس پخش شد و با پخش این تبلیغ، استفاده از رادیو برای اهداف سیاسی در دستور کار قرار گرفت. به تدریج رادیو به عنوان جزء جدایی ناپذیر رویدادهای جهانی شناخته شد.

استفاده درست از رادیو به عنوان مطلوب ترین وسیله تبلیغ در سیاست و جنگ چنان اهمیتی داشت که پژوهشگران و اندیشمندان علوم انسانی در آلمان مهم ترین علل شکست در جنگ جهانی اول را، غفلت آلمان از سلاح برنده تبلیغات بیان کردند. استفاده ابزاری از رادیو در تبلیغات سیاسی، به ویژه در بخش برون مرزی رادیوها در مقطع جنگ جهانی دوم بسیار برجسته و قابل توجه است.



پرونده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

مشهورترین رادیوهای فارسی زبان پیشگام عبارت بودند از: **رادیو آنکارا**، **رادیو دهلی**، **رادیو برلین** و **رادیو BBC** که در این نوشتار به طور مختصر به بررسی هر یک از آنها می پردازیم.

#### رادیو آنکارا

پخش رادیویی در ترکیه تقریباً همزمان با آغاز پخش رادیویی در دنیا آغاز شد. در سال ۱۹۲۶ میلادی ایستگاه های بی سیم آنکارا و استانبول که با اهداف ارتباطی مورد بهره برداری قرار گرفته بودند، با الحاقات ضروری در آن برای پخش رادیویی نیز قابل استفاده شدند. این ایستگاه های پنج

به این ترتیب، مردم ایران با صدای رادیو انس گرفتند. اگرچه خرید دستگاه های بزرگ و گران قیمت برای همه امکان پذیر نبود اما برخی خانواده های متمول تحصیل کرده این وسیله تجملاتی و تشریفاتی را تهیه کرده و شبها با گرداندن پیچ آن به دنبال صدایی آشنا می گشتند که برخی از آنها به زبان فارسی در اخبار و اطلاعات جهان و ایران سخن می گفتند. گرچه رادیوهای فارسی زبان بیگانه پر شمار نبودند، اما برخی از آنها پیش از شروع به کار رادیو در تهران، به خانه های مردم ایران راه یافتند.

کیلوواتی از جمله قوی ترین ایستگاه های پخش رادیویی اروپا محسوب می شدند. شرکت سهامی تلفن و بی سیم ترکیه که برای مدیریت این رادیوها تأسیس شده بود، ابتدا در استانبول و سپس در آنکارا رادیویی را تأسیس کرد و اولین پخش رسمی رادیویی در ترکیه در ماه می ۱۹۲۷ آغاز شد.

اولین برنامه رادیویی برون مرزی **آنکارا** در ۱۹۳۷ به زبان عربی پخش شد. پخش برنامه به زبان عربی به صورت نامنظم بود و به مرور قطع شد. اما در مقابل، از سال ۱۹۳۸ پخش برنامه های منظم از رادیوی

ترکیه به زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسه آغاز شد.

**رادیو آنکارا** پخش برنامه به زبان فارسی را از اواخر ۱۹۳۹ میلادی آغاز کرد. بخش فارسی **رادیو آنکارا** در گزارشی که سفیر ایران در ترکیه- باقر کاظمی- راجع به تشکیلات **رادیو آنکارا** خطاب به نخست‌وزیر وقت، در تاریخ ۱۳۱۹/۲/۱۷ شمسی، نوشته و در کتاب اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۱۸-۱۳۴۵)، تحت عنوان سند شماره ۱۷ به چاپ رسیده، آمده است: «از سال گذشته قبل از اینکه قضیه اختلاف بین ترکیه و فرانسه بر سر اراضی ختای حل شود، ترک‌ها شروع کردند برای تبلیغات و مساعد کردن اهالی ختایی، سپس از انتشار اخبار به ترکی به زبان عربی هم انتشاراتی داد و دنباله آن تبلیغات نموده و از ترقیات ترکیه و راحتی و آزادی ملت سخنرانی می‌نمودند، ولی بعداً انتشارات به زبان عربی متوقف شد، تا اینکه پس از ظهور جنگ کنونی اداره رادیویی آنکارا به فکر این افتاد که اخبار به زبان فارسی و عربی و انگلیسی و فرانسه و... برای هر یک از این‌ها گویندگان مخصوص با حقوق از ماهی ۱۵۰ لیره ترک تا ۲۰۰ لیره ترک استخدام نمودند. برای سخنرانی به زبان فارسی آقای اسماعیل نامق نامی را که سابقاً عضو محلی کنسولگری ایران در دمشق بود و اخیراً به ترکیه آمده بود با حقوق ماهی ۱۵۰ لیره ترک (در این اواخر صدی سی به حقوق او افزوده‌اند) استخدام نمودند که روزهای ابتدا اخبار را به زبان فارسی ترجمه و بعداً در دو نوبت (یکی ظهر و دیگری پنج و نیم بعداز ظهر) پشت دستگاه فرستنده بگوید.

چون این شخص فارسی را به لهجه تبریزی‌ها صحبت می‌کرد و پاره‌ای از کلمات و عبارات را درست به فارسی صحیح نمی‌گفت، تذکرات لازم به مشارالیه داده و سفارش کردم طرز سخن‌گویی خود را عادی و طبیعی و معمولی نموده، از تصنع و تکلف که به گوش شنوندگان

سنگین می‌آید خودداری کند. مشارالیه هم تذکرات را به کار برد و فعلاً بهتر از پیش سخنرانی می‌کند.»

در بخش دیگری از این سند می‌خوانیم: «... اخیراً در جراید اطلاعات دیدم اعلان‌هایی از طرف کمیسیون رادیو جهت استخدام مترجم و گویندگان به زبان‌های مختلف فارسی و خارجی شده، لیکن هیچ ندیدم به زبان ترکی کسی خواسته باشند. در صورتی که اینجا ترک‌ها بیش از سه ماه است اخبار داخله و خارجه به زبان فارسی هم انتشار می‌دهند و چنانکه توضیح داده شده برای این اقدام شخصی را هم استخدام نموده‌اند.»

رادیوی موج کوتاه **آنکارا** در جریان جنگ جهانی دوم به دلیل ارائه به‌نسبت بی‌طرفانه اخبار توانست در میان رادیوهای بین‌المللی جای خود را باز کند و در ایران نیز شنوندگان بسیاری جلب کند.

#### رادیو برلین

هانس برهدو در آلمان به ریاست تلفن بی‌سیم در وزارت پست برگزیده شد و در سال ۱۹۲۳ میلادی، رادیو آغاز به کار کرد و شهرهای لایپزیک، مونیخ، فرانکفورت، هامبورگ، اشتوتگارت، برسلاو، کلن و کونیکبرگ دارای ایستگاه رادیویی شدند. در سال ۵۲۹۱ میلادی شرکت «رایش روند فونک» متشکل از نه شرکت منطقه‌ای و سپس **دویچه‌وله** تشکیل شدند. این رادیو خیلی سریع به شهرت و محبوبیت رسید.

آلمان‌ها خبرپراکنی بین‌المللی را در سال ۱۹۲۵ میلادی به‌طور آزمایشی در ایدهوون شروع کردند و از سال ۱۹۲۷ میلادی به‌طور رسمی و با استفاده از امواج کوتاه به خبرپراکنی برون‌مرزی پرداختند.

در دهه ۱۹۳۰ خبرپراکنی برون‌مرزی یکی از ابزارهای کلیدی نازی‌ها در آلمان برای پیشبرد سیاست خارجی آنها بود. آلمان‌ها از این ابزار برای پروپاگاندا یا تبلیغات بهره گرفتند. اولین بار جوزف گوبلز به شکل نظام‌یافته‌ای از این ابزار بهره گرفت و نقش بسیار مهمی در اشغال

اتریش بازی کرد.

ساختن برنامه‌های رادیویی مخصوص موج کوتاه تا پیش از ظهور هیتلر در آلمان اولویت نداشت، اما همین که هیتلر در سال ۱۹۳۳ میلادی قدرت را به‌دست گرفت، Rundfunk Ausland یعنی بخش برون‌مرزی رادیو اهمیت ویژه‌ای یافت. این کشور که تا آن زمان روزی تنها دو ساعت برنامه برون‌مرزی داشت، با آمدن هیتلر برنامه‌هایش به ۱۸ ساعت در روز افزایش یافت و سرانجام به قابلیت رسید که توانست به دوازده زبان، ۲۴ ساعته برنامه پخش کند. در زمان بازی‌های المپیک ۱۹۳۶ برلین به ۲۸ زبان برنامه پخش می‌کرد. رادیو به‌حقیقت به‌صورت ابزاری برای سیاست خارجی درآمد؛ به‌طوری‌که هیتلر چند بخش از کتاب معروف خود به نام **نبرد من** را به تجزیه و تحلیل نقش تبلیغات به‌ویژه تبلیغات رادیویی در این دوران اختصاص داد. در سال ۱۹۳۸ میلادی آلمان این توانایی را یافت که برای کشورهای آسیای جنوبی و مرکزی از جمله ایران برنامه پخش کند.

#### بخش فارسی رادیو برلین

مردم ایران از آغاز ظهور هیتلر اکثراً مجذوب او بودند و دولت ایران هم که سال‌ها پیش در اجرای پروژه‌های عمرانی، متخصصان آلمانی را به کار گرفته بود، با دولت آلمان روابط اقتصادی و سیاسی نزدیکی داشت.

وزارت تبلیغات آلمان نازی به رهبری گوبلز می‌کوشید با برنامه‌های سنجیده، نظریات برتری نژادی را در ایران گسترش دهد. فرستنده فارسی‌زبان **رادیو برلین** تبلیغ می‌کرد که آلمانی‌ها و ایرانیان از یک نژاد هستند و باید در جبهه‌ای متحد علیه استعمار مبارزه کنند. بسیاری از مردم منطقه خاورمیانه از جمله در ایران به هیتلر پیشوای حزب نازی دل بستند. برای توجیه و تحکیم این گرایش افسانه‌ها و شایعات بسیاری بر سر زبان‌ها افتاد که هیتلر پنهانی اسلام آورده و برای اعتلای حکم حق با روس و انگلیس مبارزه

می‌کند.

یک سال پیش از آغاز جنگ جهانی دوم بود که گروهی از ایرانیان از طریق روسیه به آلمان رفتند. بهرام شاهرخ پسر کیخسرو شاهرخ از جمله کسانی بودند که به این ترتیب به آلمان رفت. این جوان پرشور که به تقلید از پیشوا فریاد می‌کشید و مشقت بر میز می‌کوبید، بسیار مورد توجه پیشوا و گوبلز بود و برنامه‌هایش در بخش فارسی رادیو برلین شب‌ها بسیاری از مردم ایران را پای رادیو می‌نشاند. از سال ۱۹۳۹ به بعد وقتی که ابرقدرت‌های جهانی جنگ عالم‌گیر دوم را آغاز کردند، تبلیغات شدیدی که در ایران به طرفداری از آلمان‌ها شروع شده بود، شدت یافت.

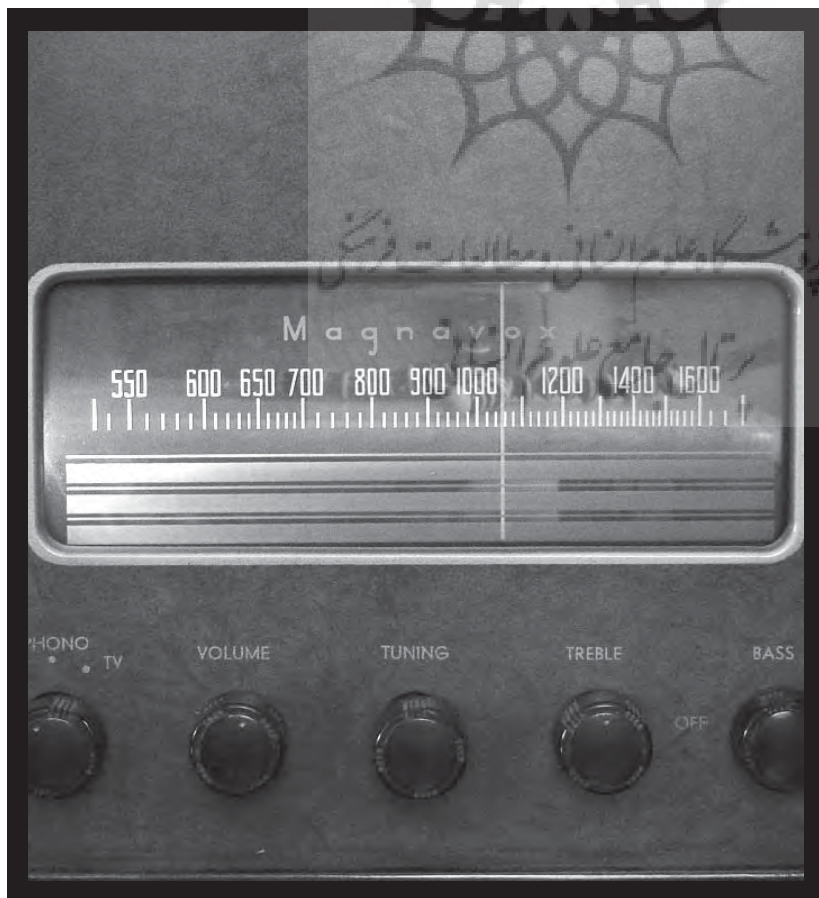
دستگاه تبلیغات آلمان نازی در آن زمان به قدری دقیق کار می‌کرد که تا آن زمان هیچ دولتی نتوانسته بود به اندازه نازی‌ها در تبلیغات جهانی خود پیشرفت کند. **رادیو برلین** با برنامه‌های مختلف خود به اکثر زبان‌های دنیا با گویندگان زبردست هر روز آخرین اخبار را به جهانیان اعلام می‌کرد. اخبار به قدری تازه و دست‌اول بود که مخاطب را به تعجب وامی‌داشت. به‌طور مثال، بخش فارسی **رادیو برلین**، تصمیمات دولت ایران درباره یک موضوع را که مثلاً ساعت ۱۶ اتخاذ شده بود در اخبار ساعت ۱۸ خود اعلام می‌کرد؛ در حالی که خبرگزاری پارس آن خبر را فردا انتشار می‌داد. این جریانات توجه عمومی را به این رادیو جلب می‌کرد. بعدها مشخص شد که تنظیم و انتشار به‌موقع این اخبار و سازماندهی دقیق اخبار رادیو متکی بر گزارش‌های افراد ستون پنجم آلمان در ایران بود که عهده‌دار فرستادن این اخبار بودند.

بهرام شاهرخ در چنین شرایطی، یکسال پیش از شروع جنگ جهانی بین‌الملل دوم به همراه گروه دیگری از ایرانیان از طریق روسیه به آلمان رسید. این جوان پرشور و شور توجه محافل سیاسی آلمان را به خود جلب کرد. در آغاز، وزارت تبلیغات آلمان به او با دیده تردید می‌نگریست،

اما ماجرای کشته‌شدن پدر بهرام شاهرخ به دست پلیس رضاخان محافل نازی را نسبت به صدق گفتار شاهرخ خوش‌بین و مطمئن ساخت.

صدای فارسی **رادیو برلین** با وجود روابط به ظاهر حسنه میان دو کشور، زبان به انتقاد از رضاخان گشود. آنچه مسلم است آنکه آلمان‌ها نظر خوشی به رضاخان نداشتند، زیرا به‌خوبی از به‌قدرت‌رسیدن او توسط انگلیسی‌ها در سال ۱۲۹۹ شمسی مطلع بودند و او را برگزیده سیاست استعماری انگلستان می‌دانستند. البته پهلوی اول حدس می‌زد که ارباب کیخسرو، پدر بهرام شاهرخ ارتباطی با انگلستان داشته باشد و بدگویی‌های بهرام شاهرخ را سیاست انگلستان می‌دانست که می‌خواهند از طریق آلمان‌ها با او تسویه‌حساب کنند. البته حوادث بعدی نشان داد که رضاخان چندان هم به غلط نمی‌اندیشید. اندک‌اندک جملات رادیو فارسی **صدای برلین** و بدگویی‌های

**وزارت تبلیغات آلمان**  
**نازی به رهبری گوبلز**  
**می‌کوشید با برنامه‌های**  
**سنجیده، نظریات**  
**برتری نژادی را در ایران**  
**گسترش دهد. فرستنده**  
**فارسی‌زبان «رادیو**  
**برلین» تبلیغ می‌کرد که**  
**آلمانی‌ها و ایرانیان از**  
**یک نژاد هستند و باید**  
**در جبهه‌ای متحد علیه**  
**استعمار مبارزه کنند.**



بهرام شاهرخ از شاه و سیاست‌هایش که با شور و شر بسیار بیان می‌شد و بسیاری از ایرانیان را پای رادیو می‌نشاند، برای دربار جنبه حیثیتی پیدا کرد. بدین ترتیب علاوه بر اینکه پدر بهرام شاهرخ از طرف پلیس ایران تحت فشار قرار گرفت و نامه‌نگاری‌های پدر برای خاموش کردن صدای پسر در رادیو برلین بی‌ثمر بود، دستور قتل کیخسرو شاهرخ صادر شد. هیئتی نیز از تهران به سرپرستی سرهنگ سهیلی عازم برلین شد تا این صدای مخالف را خاموش کند. پس از بازگشت سهیلی و بعد از شهریور ۱۳۲۰ و در نتیجه مذاکرات با دربار ایران، بدون مقدمه و بنا بر تقاضای تهران، عذر بهرام شاهرخ محترمانه از کار در رادیو برلین خواسته و به‌زودی از آلمان تبعید شد.

### رادیو دهلی

رادیو در کشورهای شبه قاره هند که قبلاً مستعمره انگلستان بودند و سیستم‌های پخش آنها حداقل در آغاز کار منعکس‌کننده این میراث بود، در سال ۱۹۲۴ میلادی با نظارت مستقیم انگلیسی‌ها و با هدف ترویج سیاست‌های کلان استعمارگر پیر تأسیس و در دوران جنگ، برای اخبار و تبلیغات سیاسی استفاده شدند. با توجه به همسایگی هند با ایران یکی از اولین بخش‌های برون‌مرزی رادیو در هندوستان پخش برنامه به زبان فارسی بود که با نام **رادیو دهلی** در ایران شناخته می‌شد.

### بخش فارسی رادیو دهلی

بخش فارسی **رادیو دهلی** که تحت نظارت مستقیم انگلیس به پخش برنامه می‌پرداخت و هدف اصلی آن، در ابتدا مقابله با نفوذ روزافزون آلمان در منطقه و سپس جلوگیری از پیشروی کمونیسم بود، تا پایان جنگ به پخش برنامه به زبان فارسی ادامه می‌داد. مطابق آنچه در اسناد موجود است، شاپور ریپورت، مسئولیت راه‌اندازی و اداره بخش فارسی **رادیو دهلی** را برای ایران و افغانستان سازماندهی و اداره کرد. ریپورت در سال

۱۹۴۳ به دهلی رفت و مأموریت ویژه اداره بخش فارسی **رادیو دهلی** را تا ۱۹۴۴ بر عهده داشت.

پخش برنامه‌های فارسی **رادیو دهلی** پس از عزل رضاشاه نیز ادامه داشت و مردم به اخبار پخش‌شده این رادیو اعتماد داشتند. از طرف دیگر، ترس و وحشت مأموران نظام از این رادیو به حدی بود که شبی نبود که مأموران به چند خانه که همسایگان و دوستان برای گوش کردن به اخبار **رادیو دهلی** جمع می‌شدند، حمله‌ور نشوند و آنها را دستگیر و رادیو را ضبط نکنند. بخش فارسی رادیو دهلی در آن زمان وسیع و به‌صورت بی‌طرفانه اخبار مربوط به ایران را پخش می‌کرد و «نهر» زیر فشار سانسور نمی‌رفت و می‌گفت: تا زمانی که ایرانیان بخواهند و به این رادیو گوش کنند، این رسانه به همین صورت به کار خود ادامه خواهد داد.

### رادیو BBC

رادیو **BBC** (British Broadcasting Corporation) در نوامبر ۱۹۲۲ میلادی یعنی دو سال پس از تأسیس رادیو در جهان و با نام «بنگاه سخن‌پراکنی بریتانیا» با مسئولیت محدود تأسیس شد، ولی مسئولان کشور تا اواخر ۱۹۳۲ به تأسیس رادیو بین‌المللی احساس نیاز نکردند. بخش بین‌الملل رادیو **BBC** در دسامبر ۱۹۳۲ با عنوان سرویس امپراطوری **BBC** (BBC Empire service) فقط به زبان انگلیسی و به‌طور عمده برای جذب مخاطبان انگلیسی‌زبان در خارج از مرزهای کشور آغاز به کار کرد؛ نامی پرابهت و پرمعنا در عصر استعمار که از سال ۱۹۸۸ سرویس جهانی **BBC** جایگزین آن شد. این سرویس در فاصله چند سال به خصوص به دلیل شرایط نزدیک به جنگ جهانی دوم و نیاز به تبلیغات و تأثیرگذاری بر مردم کشورهای متخاصم، دایره فعالیت خود را از زبان انگلیسی به دیگر زبان‌ها گسترش داد.

در سال ۱۹۳۸ و چند ماه قبل از آغاز جنگ جهانی دوم بخش‌های عربی و

اسپانیولی رادیو **BBC** آغاز به کار کردند. بخش فارسی در دسامبر ۱۹۴۰ آغاز به کار کرد.

### بخش فارسی رادیو BBC

ده ماه پس از آنکه **رادیو ایران** به کمک آلمانی‌ها ایجاد و راه‌اندازی شد، بخش فارسی رادیو **BBC** آغاز به کار کرد. بیشتر پژوهشگران و مورخان ابایی از ذکر این نکته ندارند که تأسیس بخش فارسی **رادیو برلین** بر مخاطب ایرانی و تحت فشار قراردادن پهلوی اول در پیروی از سیاست‌های جنگی متفقین و در مرحله بعد توجیه اشغال نظامی ایران، بریتانیا و اتحاد جماهیر شوروی صورت گرفت. اولین مجلاتی که از **رادیو لندن** به زبان فارسی در ۲۹ دسامبر ۱۹۴۰ میلادی با صدای حسن موقر بالیویزی به گوش مردم ایران رسید، این بود: «در این هنگام که خبرفرستی به وسیله رادیو به زبان فارسی از بریتانیای کبیر آغاز می‌شود، بنگاه رادیویی انگلستان به تمام گوش‌دهندگان ایرانی و فارسی‌زبانان در هر جای جهان که باشند دوستانه درود می‌گوید.»

نخستین برنامه‌های پخش‌شده فارسی رادیو **BBC** به شکل گزارش‌های خبری ۱۵ دقیقه‌ای بود که چهار روز در هفته پخش می‌شد. به‌زودی برنامه‌ها حالت روزانه پیدا کرد و بیشتر شامل تفسیرهایی درباره جنگ شد. موسیقی و شعر کلاسیک فارسی نیز اندک‌اندک به این مجموعه افزوده شد.

بخش فارسی رادیو **BBC** در ماه‌های آغازین فعالیتش نمی‌توانست با **رادیو برلین** برابری کند. **رادیو برلین** به انگلستان می‌تاخت و از پهلوی اول هم انتقاد می‌کرد. اما با سرنگونی شاه، **BBC** در ایران که به **رادیو لندن** شهرت داشت، جایگاهی یافت که برای سال‌ها هیچ رسانه‌ای آن‌قدر مورد توجه و اجلال عامه مردم قرار نگرفت.

سررید بولارد در خصوص اهمیت رادیو در کتاب **شترها باید بروند** می‌نویسد: «این واقعیت تأسف‌آور بود که درست

زمانی که ما احتیاج به همراهی و مساعدت مردم ایران در جنگ جهانی دوم داشتیم، آنها به سرزنش ما بپردازند و از اینکه حامی شاه مورد تنفرشان بودیم اظهار گله‌مندی کند، ولی این وضع دیری نپایید و ما توانستیم با آغاز پخش برنامه‌های فارسی از لندن و دهلی تا حدود زیادی بر این مشکل فائق آییم و با تکذیب شایعات بی‌اساس و مطلع‌بودن و پاسخ‌گفتن به بسیاری از سؤالات مربوط به رضاشاه ذهن مردم را نسبت به حقایق روشن سازیم.»

تأسیس بخش فارسی **BBC** تقریباً در ابتدای جنگ مورد نظر مقامات لندن بود. ظاهراً نخستین بار پیشنهاد و ضرورت این امر از سوی «بولارد» در گزارشی به تاریخ ۲۹ دسامبر ۱۹۳۹ سه ماه پس از آغاز جنگ، به لندن ارسال شد. این پیشنهاد چهل روز بعد در ۹ فوریه ۱۹۴۰ از سوی لندن تأیید و به بولارد ابلاغ شد که وزارت خارجه و خزانه‌داری بودجه لازم برای تأسیس بخش فارسی را مهیا کرده‌اند.

پیش از تأسیس رادیوی فارسی **BBC** از سوی سفارت انگلستان در تهران به‌ویژه دوشیزه «آن کاترین لمبتون» وابسته مطبوعاتی، مکرراً در گزارش‌های خود به لندن از تداوم و افزایش نفوذ تبلیغات آلمان نازی در میان مقامات و مردم و ضرورت ایجاد نوعی ابتکار عمل در ماشین تبلیغات جنگی لندن از قبیل ترجمه اخبار و تفسیرهای جنگی سخن گفته بود.

**BBC** فارسی از ابتدای تأسیس خود تا پایان اسفند ۱۳۲۰ کارزار تبلیغاتی بی‌وقفه‌ای را در سه جبهه صورت می‌داد: بدبین‌کردن ایرانیان نسبت به آلمان هیتلری و متحدانش، ایجاد بدبینی درباره رضاشاه به عنوان همکار آلمان، و در نهایت آماده‌سازی اذهان عمومی برای اشغال ایران و توجیه راهبردی آن. برای رسیدن به این اهداف یک کارمند سابق شرکت نفت انگلیس و ایران به نام «لورسن پاول الول ساتن» به عنوان مشاور و ناظر ارشد به استخدام رادیو **BBC** فارسی درآمد. پانزده ماه پس از آغاز جنگ جهانی دوم

و در زمان برنامه‌ریزی متفقین برای حمله نظامی به ایران بخش فارسی رادیو **BBC** آغاز به کار کرد. **BBC** با درس‌گرفتن از تجربه بهرام شاهرخ و دیگر همکاران ایرانی وی در تأسیس بخش فارسی رادیو برلین، بنای بخش تازه تأسیس فارسی خود را با کمک چند ایرانی قرار داد که در آن میان دو نفر شاخص‌تر از بقیه بودند: مجتبی مینوی و حسن موقر بالیویزی.

حسن موقر بالیویزی در شهریور ۱۲۸۷ در بوشهر به دنیا آمد. وی از اعضای خاندان افغان و اقوام نزدیک میرزا علی محمد باب و فرزند محمدعلی موقرالذوله بالیویزی حاکم پیشین بوشهر بود. بالیویزی از چهره‌های سرشناس بهایی بود که پس از ادامه تحصیل در انگلیس ازدواج کرد و ماندگار شد. او در شرایطی به استخدام **BBC** درآمد که چند ماه قبل از آن به عضویت مجمع ملی بهائیان موسوم به رضوان درآمد بود. وی علاوه بر نگارش حدود ده اثر با موضوع تاریخ و تبلیغ بهائیت سال‌ها رئیس محفل ملی معنوی بهائیان جزایر بریتانیایی بود که به منزله ریاست کل اداری و اجرایی بهائیان سراسر بریتانیا محسوب می‌شد. وی در طول حدود دو دهه کار در **BBC** فارسی عملاً به یکی از اجزاء کلیدی و به شدت تأثیرگذار این بنگاه سخن‌پراکنی تبدیل شد.

**مجتبی مینوی**  
مجتبی مینوی در بهمن ۱۲۸۲ در خانواده‌ای متدین متولد شد. پس از تحصیل در سامره و دارالفنون تهران وارد خدمت تندنویسی در مجلس شورای ملی شد. سپس به فرانسه اعزام شد. مینوی در سال ۱۳۰۸ در سفارت انگلستان به کار گمارده شد. وی از نخستین گویندگان بخش فارسی **BBC** بود. مینوی در سال ۱۳۱۲ برای سفری مطالعاتی به انگلستان رفته بود، اما از ترس آنکه در ایران از سوی رژیم شاه برای مسائل سیاسی تحت پیگرد قرار گیرد، در انگلستان ماندگار شد و به تدریس فارسی در دانشگاه آکسفورد

پرداخت. تصمیم مینوی برای پیوستن به **BBC** از نظر مسئولان آن زمان چنان اهمیتی داشت که در پاره‌ای از گزارش‌های محرمانه تنظیم و تقدیم رضاشاه شد.

#### منابع و مآخذ

- بولارد، سررید، (۱۳۶۲). **شترها باید بروند**. ترجمه حسین ابوترابیان، تهران: طرح نو.
- حجازی، بیژن (۱۳۷۶). **رادیو و تلویزیون در ایران**، تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات و سنجش برنامه‌های صداوسیما.
- خاتون‌آبادی، سیداحمد (۱۳۷۴). **رادیو و ارتباطات توسعه‌ای**، تهران: سروش.
- دروذگرکیا دارا، ایرج (۱۳۸۷). **سیر استعمار انگلیس در ایران**، تهران: فرهنگ.
- طلوعی، محمود (۱۳۷۶). **بازیگران عصر پهلوی**، تهران: قلم.
- کاوه، گیتی (۱۳۷۹). **شصت سال رادیو در ایران (۱۳۱۹-۱۳۷۹)**، تهران: تحقیق و توسعه صدا.
- مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی (۱۳۷۰). **ظهور و سقوط پهلوی**، تهران: اطلاعات.
- محسنیان راد، مهدی (۱۳۸۷). **ایران در چهار کیهکشان ارتباطی**، تهران: سروش.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۸۸). **تاریخ تحولات اجتماعی رادیو در ایران**، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- مختاری اصفهانی، رضا (۱۳۸۸). **رادیو، فرهنگ و سیاست در ایران**، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
- معاونت خدمات مدیریت و اطلاع‌رسانی دفتر رئیس‌جمهور (۱۳۷۹). **اسنادی از تاریخچه رادیو در ایران (۱۳۴۵-۱۳۱۸)**، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- هوشنگ‌مهدوی، عبدالرضا (۱۳۷۷). **تاریخ روابط خارجی ایران از ابتدای صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم**، تهران: امیرکبیر.